

## غائط - غير منقول

**غائط:**

مدفوع.

**غارم:**

بدهكاري كه فعلاً توانايي پرداخت ديون را ندارد.

**غالي:**

غلو كننده. رجوع كنيد به: غلات.

**غايب شدن:**

پنهان شدن و عدم دسترسي.

**غبطه:**

مصلحت، فايده.

آرزو داشتن اموال و اوصاف ديگران بي آنكه زوال آنها را بخواهد.

**غبْن:**

تفاوت قيمت قرار دادى با قيمت واقعى.

**غبِن فاحش:**

تفاوت قيمت قراردادى با قيمت واقعى، به حدى كه قابل چشم پوشى نباشد.

**غدد:**

غده ها، توده هاى به هم فشرده چربى در بعضى نقاط بدن.

**غرامت:**

تاوان، مالى كه انسان به خاطر خسارت و ايجاد نقص، به ديگرى مى پردازد.

**غرس:**

درختکاری، کاشت نهال.

**غرض عقلایی:**

هدفی که از نظر عقلاء قابل قبول و پسندیده باشد.

**غریم:**

مدیون.

**غساله:**

آبی که برای شستن چیزی بکار رفته است، چه از آن چیز جدا شده باشد و چه در آن باقیمانده باشد.

**غسل:**

شستشوی بدن به کیفیت مخصوص، با قصد قربت.

**غسل ترتیبی:**

به قصد قربت اول سر و گردن، بعد به احتیاط طرف راست سپس طرف چپ را شستن.

**غسل جبیره ای:**

غسلی است که با وجود جبیره ( بر روی بعضی از اعضاء بدن) انجام می گیرد.

**غسل مستحب:**

هر غسلی که به مناسبت ایام و لیالی خاص، یا عبادات و زیارات مخصوص، یا ورود به اماکن متبرکه وارد شده است؛ مانند غسل جمعه، غسل شب های احیا و غسل ورود به مکه معظمه.

**غسل واجب:**

غسلی که انجام دادن آن، به سبب عواملی چون جنابت، حیض و... واجب است.

**غسل میت:**

شستن میت پیش از دفن با آب سدر، کافور و آب خالص.

**عش:**

فریب دادن دیگران، از راه بهتر یا بیشتر وانمود کردن کالا.

**غصب:**

تسلط پیدا کردن نامشروع، بر مال یا حق دیگران.

**غُفَیله:**

نماز غفیله یکی از نمازهای مستحبی است که در بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود و در رکعت اول پس از حمد، آیه «و ذالنون» و در رکعت دوم آیه «و عنده مفاتح...» خوانده می شود.

**غلات:**

غلو کنندگان ؛ معتقدین به ربوبیت ائمه ( علیهم السلام ) یا حلول خداوند در آنها.

**غله:**

گندم و جو.

درآمد هر چیزی اعم از کشاورزی، دامداری، اجاره و . . .

**غلو:**

مبالغه، از حد گذشتن. رجوع کنید به: غلات.

**غنا:**

آنچه به شکل آواز ادا شود ؛ خوانندگی.

**غنیمت:**

آنچه که در حال جنگ مشروع، از اهل شرک و کفر گرفته می شود. همچنین به هر منفعتی که بدست آید، غنیمت گفته می شود.

**غوص:**

هر آنچه که از راه فرو رفتن در دریا و غواصی به دست می آید.

**غیبت:**

بیان عیب مستور کسی در غیابش به قصد مذمت و انتقاص.

**غیر مبطل:**

آنچه باعث بطلان عمل نمی شود ؛ مانند شک در رکعت سوم و چهارم در نماز چهار رکعتی.

**غیر مشروع:**

آنچه مخالف شرع است.



دفتر مقام معظم رهبری  
www.leader.ir

غیر منقول:

اموال ثابت و غیر قابل انتقال ؛ مانند خانه.